

در مقدمه هر یک از دو میثاق بین المللی مربوط به حقوق بشر این عبارت به چشم می خورد: «کمال مطلوب انسان آزاد که از اجبار و بدبختی و فقر رها شده باشد فقط در صورتی تحقق می پذیرد که شرایط بهره مندی همه انسانها از همه حقوق فراهم آمده باشد.»

قبل از پرداختن به اصل مطلب باید این سؤال را مطرح کرد که چه شده است که اهل سنت در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به این نتیجه رسیده اند که این پرسشها را مطرح کنند: چرا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند؟ به چه کسی رأی دهند؟ آیا رأی اهل سنت تعیین کننده است؟ و مشارکت آنها چه تأثیری در وضعیت آنها دارد؟

شکی نیست که اهل سنت ایران از هر قوم و طایفه ای از بلوچ، فارس، کرد، عرب، تالشی، ترک و ترکمن خود را ایرانی دانسته و ریشه خود را در این خاک می دانند و طبعاً تعلقات نژادی و فرهنگی و ملی و وابستگیهای تاریخی و جغرافیایی و هویت و کیان آنان جزء جدایی ناپذیر این سرزمین و این ملت می باشد، و هیچکس نمی تواند خود را از نظر فرهنگی و تاریخی، ایرانی تر از آنان بداند. اما چه شده است که در خانواده بزرگ ایران برخی از افراد آن حقوق دیگران را نادیده گرفته و در سهم گیری مراعات نمی کنند.

قبل از انقلاب و در زمان حکومت پهلوی با محور قرار دادن یک قوم در جهت استحاله فرهنگی دیگر اقوام و تشدید محرومیت های اقتصادی و اجتماعی آنان تلاش می شد که ریشه بسیاری از محرومیت های اقتصادی و عدم توسعه یافتگی استانها و مناطق مرزی از آنجا نشأت می گیرد، اما هیچکس از نظامهای استبدادی و طاغوتی ایراد نمی گیرد که چرا حق دیگران تضییع می شود و چرا از شایستگان استفاده نمی گردد و چرا همگان در توزیع قدرت سهم نیستند، زیرا خصیصه این نظامها تمرکزگرایی و تجمیع همه نیروها در مراکز قدرت و محور قرار دادن یک شخص خاص و همه برده وار اطاعت کردن از اوست. ولی رشد و آگاهی اقشار مختلف و آشنایی با حقوق اساسی و طبیعی هر روز پایه های چنین حکومتهایی را لرزان می سازد و سرنوشت شاه ایران هم بدین سان رقم خورد و با انقلاب اسلامی و با مشارکت همه ایرانیان تومار حکومت فردی و شاهنشاهی برچیده شد.

آرمان اکثر انقلابیون و اقشار ستمدیده رهایی و رسیدن به حقوق شهروندی در پرتو اجرای احکام اسلامی بود؛ چه بسیار افرادی که می گفتند ایران مثل مکه مکرمه و مدینه منوره

اهل سنت و انتخابات ریاست جمهوری

که دکتر جلال جلالی زاده

مشاور وزیر کشور در امور اهل سنت

می شود دیگر کسی در مغازه ها را نمی بندد، خبری از دزدی نیست، ملاک تنها تقوا خواهد بود، تعصبهای قومی و مذهبی رخت برمی بندد، آوای عدالت به گوش همه جهانیان می رسد. از داخل و خارج علماء و اندیشمندان اهل سنت پیامهای تبریک برای زهبران انقلاب ارسال کردند و این آتش امید در همه دلها شعله می کشید تا اینکه قانون اساسی نوشته شد علاوه بر رسمیت دادن به یک مذهب و در حاشیه قرار دادن دیگر مذاهب اسلامی که یک گام عقب نشینی از آرمانهای انقلاب بود، تصویب اصل دیگری که تنها پیروان یک مذهب حق کاندیداتوری برای پست ریاست جمهوری دارند دومین عامل دلسردی و یأس در فرایند تشکیل حکومت اسلامی بود. زیرا واقعیت ها و تجربه های عینی زندگی در جهان اسلام نشان داده است که هیچ مذهبی به تنهایی قادر به پاسخگویی به مسائل روز و حوادث جدید جامعه اسلامی نیست و دین اسلام است که می تواند نیازهای انسان را برآورده کند آنهم در بهره گیری از آرا و دیدگاه های همه مجتهدان و فقها و علمای مذاهب مختلف اسلامی.

از آثار منفی به رسمیت شناخته شدن تفرقه که بگذریم و قوانین اساسی دیگر کشورهای اسلامی را ملاحظه کنیم می بینیم در هیچ کشوری اشاره ای از رسمیت دادن به مذهبی و یا واگذاری مسئولیتها و گزینش افراد بر اساس مذهب نیست. رسمیت دادن به هر مذهبی در هر کشوری به معنای نادیده گرفتن آرا و حقوق پیروان مذاهب دیگر و تکیه بر حقانیت یک مذهب خاص است که حداقل در جهان کنونی پاسخگو و پذیرفته نیست.

نگارنده بر آن است که منشأ تبعیضات و بی عدالتی های خواسته و ناخواسته در جامعه ما ناشی از همین طرز تلقی است و گرنه دلیلی عقلی یا دینی برای توجیه چنین مطلبی نمی توان ارائه داد مگر از منظر تعصبات و رسوبات فکری و مذهبی. گذشته از همه اینها حکومتی که خود را اسلامی بداند علاوه بر اجرای عدالت که صفت خداوند متعال و شاخصه دین اسلام است، آیه ۱۳ سوره حجرات و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که «هیچ عربی بر عجمی و هیچ عجمی بر عربی و سیاهی بر سفیدی و سفیدی بر سیاهی جز بر تقوا برتری ندارد»، موضعگیری حکومتها را تعیین می کند.

✓ امروز وضعیت با گذشته فرق کرده است هیچکس نمی تواند به نام حق بودن خود و باطل دانستن دیگران آنان را از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقتصادی محروم کند.

اما واقعیتی را که نمی توان انکار کرد اعتراف مسئولان به قصور و تقصیر در این مسئله است به علاوه وضعیت عینی جامعه مشهود و محسوس است. دنیای امروز با جوامع پیشین بسیار فرق کرده است. هیچ کس و یا هیچ گروهی نمی تواند خود را مالک دیگران بداند و شخصیت و آزادی دیگران را نادیده بگیرد. حوادث چند سال اخیر در منطقه نشان داد که با شیوه های پیشین نمی توان مردم را قانع و یا ساکت کرد. انفجار اطلاعات و برداشته شدن مرزهای فیزیکی و اطلاع رسانی سریع فضای موهوم سنتی را شکسته و دیگر چنان نیست که هر کس هر کاری خواست انجام دهد و به حقوق دیگران تعرض کند. خود آگاهی ملی و رشد سیاسی توده ها به گونه ای است که هیچ کس حاضر نیست از حق خود به نفع دیگری بگذرد و با تعریف و تمجید صحنه را به نفع دیگری خالی کند و با یک پیشوند و پسوند از اعمال حق حاکمیت خود بگذرد و به دلیل داشتن عقیده ای و یا سخن گفتن به زبانی و داشتن رنگ یا نژادی از حقوق طبیعی خود محروم شود.

امروز وضعیت با گذشته فرق کرده است هیچکس نمی تواند به نام حق بودن خود و باطل دانستن دیگران آنان را از حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محروم کند، اگر قرار است که هر امتیازی به همفکران و همکیشان و همشهریان و اطرافیان قدرتمندان داده شود و دیگران بی نصیب باشند عدالت و فضایل اخلاقی و کمالات انسانی چه معنا و مفهومی پیدا می کنند؟ - شیخ ابوالحسن خرقانی بر روی در خانقاهش نوشته بود: «هر که از در درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید».

شهروندان یک کشور خود بهترین تصمیم گیرندگان برای اداره کشور خود هستند و هر کس خود را زاینده و بزرگ شده این مرز و بوم بداند و تعلقات و وابستگیهای تاریخی به این کشور داشته باشد نمی توان او را از صحنه راند و از خدمت طرد کرد. ولی امروز متأسفانه نگاه ایدئولوژیک به دین و فراموش کردن جنبه رحمانیت و مدارای دین موجب شده که افرادی با نگاه های خشمگینانه و تعصب آلود که ناشی از سطحی نگری است بر هموعان و همدینان و هموطنانشان ستم کنند. مگر حضرت علی رضی الله عنه نفرموده که هر کس رو

به قبله ما نماز خواند در حقوق با ما شریک است... چنین تفکری قائل به حقوق برابر و یکسان برای شهروندان نیست و ملاک پست و امتیاز و مقام را هم اندیشی می داند.

لذا اهل سنت باید تکلیف خود را با این طرز تفکر و قرائت متأسفانه و متعصبانه از دین روشن کند، نه اینکه مقابله به مثل کند، هرگز! بلکه نه فریب شعارهای انتخاباتی و مقطعی آنان را بخورد و نه هم سویی با آنان نشان دهد زیرا در دایره تنگ نظری آنان نه تنها جایی برای اهل سنت بلکه حتی برای هم مذہبان آنها که همسو با آنان نیستند وجود ندارد. هر گونه خدمت و یا تبلیغ برای چنین فکری به زیان دموکراسی و حقوق بشر است.

کسانی که توقیف مطبوعات و سانسور و محدودیت آزادی بیان برایشان مهم نیست و قتل‌های زنجیره‌ای علماء و اندیشمندان دلشان را به درد نمی آورد و از زمین تا بام را برای خود و از پشت بام تا آسمان را برای دیگران می خواهند، کجا با حدیث نبوی «مؤمن نیست هر کس چیزی را برای خودش بخواند و برای دیگران نخواند» سر سازگاری دارند. اما موضع گیری و تفکر دومی نیز وجود دارد و آن موضع گروه دیگری از فعالان سیاسی و فرهنگی و مسئولان است که تحت تأثیر واقعیت‌های معاصر و قرائتی صحیح و درست و علوی معتقد به داشتن حق همزیستی مسالمت آمیز و تقسیم امکانات و توزیع قدرت و ثروت هستند و به این نتیجه رسیده‌اند که حکومتداری و سیاست ورزی معقول جز با بهره گیری از صاحبان فکر و اندیشه و مشارکت همگان در تعیین سرنوشت خویش ممکن نیست. این عده معتقدند همانگونه که جامعه جهانی و موازین دینی تبعیض و تمایز نژادی را نمی پذیرد و رژیم‌های نژادپرست را محکوم می کند به امثال نلسون ماندلاها افتخار می کند و مدال عدالت طلبی و انسان دوستی را بر سینه آنان نصب می کند به همان دلیل تبعیض مذهبی و محروم کردن افراد از حقوق خود را به دلیل وابستگی مذهبی و جلوگیری از رشد استعدادها را تحت هر نامی حتی به نام خدا محکوم می کند. زیرا دینی که لگدمال کردن یک مورچه را روا نمی دارد چگونه اجازه می دهد عده‌ای به نام دین کسانی دیگر را که به آن دین منتسب‌اند و در خدا و پیامبر و قبله مشترکند از حق خود محروم

کنند.

انسانی که به عنوان جانشین خداوند در روی زمین بسیار مورد تکریم و تجلیل واقع شده و عدالت و رفاه و امنیت و آزادی و تکامل او در صدر آموزه‌های دینی قرار گرفته است چگونه می توان او را از حق خدادادی و از اراده و اختیاری که موضوع بحث بسیاری از متکلمان و فیلسوفان بوده منع کرد. حکومت نقش سرپرست یک خانواده را دارد و پدری که امکانات مساوی را در بین فرزندانش تقسیم نکند پدری عادل به حساب نمی آید.

هیچکس منکر تأثیر انقلاب در رشد و آگاهی مردم و تحولاتی که انقلاب در مردم ایران از هر قومیتی ایجاد کرد نیست، سه شعار اصلی «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» مختص هیچ گروه و دسته‌ای نبود و همه برای تحقق آنها تلاش کردند.

به عنوان نمونه باید دید که پس از انقلاب در دانشگاه سیستان و بلوچستان چند درصد نیروهای بلوچ رشد داشته‌اند؟ سهم مدیریتهای اهل سنت در زمان شاه با جمهوری اسلامی چه تفاوتی داشته است؟ چند درصد دانشجویان بوریسیه و اعزامی از اهل سنت بوده‌اند؟ در به کارگیری نیروهای اهل سنت در قوه قضائیه چه تفاوتی با قبل از انقلاب به وجود آمده است؟ چند درصد کارکنان وزارت خارجه و دیگر مراکز حساس مملکتی اهل سنت‌اند؟ آیا اهل سنت استعداد مدیریتی ندارند و سنجش این گونه اعمال با ترازوی عدالت چگونه است؟

مردم می پرسند چگونه است که در یک استان تنها مردمان یکی از شهرهای استان حق استفاده از همه امکانات و نعمتها را دارند و همه مناصب مدیریتی را در قبضه خود دارند ولی ساکنان بقیه شهرها از آن بی بهره‌اند.

با این توضیحات می توان گفت که اگر حکومت حق کسی را نداد حق تکلیف کردن را هم ندارد زیرا حق رابطه طرفینی است و هر دو طرف ملتزم به رعایت آن هستند. بنابراین در انتخابات که به منزله بیعت است وکیل و مؤکل بیعت کننده و بیعت شده هر یک دارای وظایف و حقوق و مسئولیتهایی هستند که مکلف به انجام آنها و باید به طور روشن و واضح حیطة وظایف و قرارداد را مشخص کنند.

در انتخاباتهای پیشین ریاست جمهوری به هر

امروز

متأسفانه نگاه

ایدئولوژیک

به دین و

فراموش کردن

جنبه رحمانیت

و مدارای دین

موجب شده که

افراد با

نگاه‌های

خشمگینانه و

تعصب آلود که

ناشی از

سطحی نگری

است بر

هموعان و

همدینان و

هموطنانشان

ستم کنند.

مسئولیت و دوران‌دیشی و آینده‌نگری و وحدت و تصمیم بجا و قاطع و اتخاذ رویه‌ای معتدل و منطقی قدم‌های مؤثری در احقاق حقوق شهروندی برداشته شود. زیرا تجربه ثابت کرده است سلب و تضییع حقوق هرگز موجب جذب قلوب نشده است و طعم تلخ تحقیر حتی در نسل‌های آینده نیز تأثیر مخرب خود را نشان خواهد داد چه خوب است مسلمانان در جهان معاصر احکام متعالی این دین را پیاده کنند و هر روز آماج حمله دیگر کشورها به سبب عدم رعایت حقوق شهروندان خود قرار نگیرند.

به امید آنکه در نهمین دوره ریاست جمهوری یک رئیس جمهور توانمند، متعهد، شجاع و میهن‌دوست که بدون تنگ‌نظری ایران را برای همه ایرانیان می‌خواهد و می‌تواند دل شکسته اهل سنت را الیتام بخشد و از استعدادها و توانمندی‌های آنان در سازندگی کشور استفاده کند و از مخدوش شدن چهره ایران اسلامی جلوگیری کند، این مسئولیت خطیر را بر عهده گیرد.



دلیل اهل سنت از مطرح کردن خواسته‌های خود به خاطر حفظ وحدت و انتظار از کاندیداها چشم‌پوشی کرده‌اند اما بعد از بیست و شش سال که اهل سنت از کمترین حقوق خود که داشتن یک مسجد و محل پرستش خداوند در مرکز کشور است محروم هستند، و نمی‌توانند از رئیس جمهوری که نماینده نظام در داخل و خارج کشور است این حق ابتدایی را مطالبه کنند، چه می‌توان کرد.

موقعیت و جایگاه سیاسی اهل سنت در موازنه قوا و برآمد انتخابات ریاست جمهوری که با داشتن حداقل ده میلیون جمعیت می‌تواند کفه انتخابات را به نفع هر یک از کاندیداها سنگین کند، در جلسات نخبگان و علما و نمایندگان ادوار و غیره در این روزها مورد بحث قرار گرفته و این سؤال به طوری جدی مطرح شده که وقتی ما هزینه‌ها را پرداخت می‌کنیم و رأی می‌دهیم در مقابل چه امتیازی می‌گیریم.

پس برای جلوگیری از هر گونه تشتت آرا و حضور افراد فرصت‌طلب و پراکنده شدن آراء لازم است شخصیت‌های ذی نفوذ و دلسوز اهل سنت اعم از علماء و فرهیختگان و سیاستمداران و حقوقدانان در بیانیه‌ای خواسته‌ها و مطالبات شهروندان سنی را در ابعاد مختلف تهیه کنند و به کاندیداها ریاست جمهوری عرضه دارند تا هر کس به طور مشخص و روشن در برنامه‌هایش اعلام کرد که حقوق ضایع شده گذشته را جبران، افراد را در مدیریت‌ها سهم و در رفع محرومیت‌های این مناطق و توسعه اقتصادی آن تلاش کند و کرامت انسانی آنان را به آنان بازگرداند، همگان را به مشارکت و رأی دادن به او فراخوانند. زیرا عدم مشارکت و انزوا هیچ سودی ندارد و انحصارطلبان علاقه‌مندند تا میدان را خالی و خود با تصاحب این مناصب که رأی مردم عامل مؤثر در به دست گرفتن آن است رقیب را از صحنه به در برند، زیرا شعار مشارکت حداکثری آنها تنها در ظاهر است و اهل سنت هم جز در فضای اصلاحات و در کنار اصلاح‌طلبان همانگونه که نشان داده شده است نمی‌توانند احساس امنیت داشته باشند هر چند کم‌کاریها و فرصت‌سوزی‌های زیاد و کم‌لطفی‌هایی در حق اهل سنت بوده است، اما مسلمان فرزندان زمان خویش است و از فرصتها به خوبی استفاده می‌کند.

امید است با هماهنگی و همدلی و احساس

☑ موقعیت و جایگاه سیاسی اهل سنت در موازنه قوا و برآمد انتخابات ریاست جمهوری با داشتن حداقل ده میلیون جمعیت می‌تواند کفه انتخابات را به نفع هر یک از کاندیداها سنگین کند.